واقعه

شعر ناتمام ابتهاج برای امام حسین (ع)

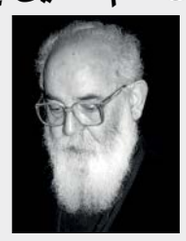

دیروز عاشورای حسینی بود

هوشنگ ابتهاج در کتاب خاطراتش موسوم به «پیر پرنیان اندیش» که میلاد عظیمی و عاطفه طیه آن را تدوین کرده‌اند، خاطرات بسیاری از سال‌های دور و نزدیك گفته است. «پیر پرنیان اندیش» کتابی است که براساس گفت‌وگویی با هوشنگ ابتهاج نوشته شده و مخاطب خود را به شناخت بیشتری از این شاعر می‌رساند. این کتاب سال ۱۳۹۱ منتشر شده و دربردارنده خاطراتی است که ابتهاج شاعر که حالا دهه نهم عمر خود را پشت سر می‌گذارد، روایت کرده است. کتاب خیلی زود و کمتر از یك ماه بعد از نشر خود به چاپ دوم رسید. در این کتاب ابتهاج به بیان عقاید و نظرات خود درباره بسیاری از چهره‌های بنام موسیقی، شعر و سیاست در زمان خود می‌پردازد. او در این کتاب تایید می‌کند که آزادی‌اش از زندان بعد از نامه محمدحسین شهریار به آیت‌ا... خامنه‌ای و بیان این نکته که «وقتی سایه را زندانی کردند، فرشته‌ها بر عرش الهی گریه می‌کنند» صورت گرفته است. خلاصه آن‌که کتاب پر از نکات خواندنی و جالبی است درباره اتفاقات و چهره‌های مختلفی که ثبت آنها را باید اتفاقی ارزشمند دانست.

در بخشی از این کتاب خواننده با روایتی روبه‌رو می‌شود که در روز هشتم محرم روی داده است و سایه با روضه‌هایی که از تلویزیون پخش می‌شود، اشك ریخته است. این زمینه‌ای شده تا او شعری با عنوان «اربعین» که برای سیدالشهدا سروده را بخواند. در ادامه این روایت را می‌خوانید:

«امروز هشتم محرم بود و عصری من (میلاد عظیمی) و عاطفه به خانه سایه رفتیم. سایه مغموم بود و از چشم‌هایش معلوم بود گریه کرده. عاطفه گفت: «بازم شیطونی کردین؟» سایه خندید. پرسیدم «اتفاقی افتاده؟»

- نه! شما می‌دونین که تلویزیون همیشه جلوم روشنه. هر کانالی هم که می‌زنم داره روضه و نوحه نشون می‌ده. من هم گوش می‌کنم و خب گریه‌ام می‌گیره. می‌شینم با اینها گریه می‌کنم. (لبخند می‌زند.)

پس از چند دقیقه گپ و گفت، سایه می‌گوید:

«سال‌ها پیش یك شعری گفتم به اسم «اربعین» که تمومش نکردم. با تعجب اصرار می‌کنم شعر را بخواند و می‌خواند:

«یاحسین بن علی
خون گرم تو هنوز
از زمین می‌جوشد
هرکجا باغ گل سرخی هست
آب از این چشمه خون می‌نوشد.
کربلایی است دلم.»
چاپش کنید استاد.
نه بابا، روزگار مساعد نیست.»

نماز ظهر عاشورا در روز شهادت حضرت اباعبدا...(ع)، حرم احمدابن موسی شاهچراغ(ع)/ عکس: مهر

عزاداران حسینی با رعایت پروتکل‌های بهداشتی توانستند هم در عزای امام حسین(ع) و یارانش سنگ تمام بگذارند و هم در برگزاری این رویداد نمره قبولی بگیرند

محرم متفاوت حسینی

امید رحمانی
روزنامه‌نگار

صف‌های منظمی که حاضران در آن ماسک بر چهره دارند و با فاصله از هم ایستاده‌اند، جمع‌های عزاداری که با رعایت نظم و فاصله از هم در خطوط منظمی نشسته‌اند، کمک به فقرا به جای پختن نذری برای حفظ پروتکل‌های بهداشتی و ده‌ها اتفاق کوچک و بزرگ دیگر عاشورای متفاوتی را رقم زد، عاشورایی متفاوت که در تصاویر منتشرشده در رسانه‌ها و فضای مجازی نشان می‌دهد امسال هم با وجود شیوع ویروس کرونا ایران یکپارچه جامه سیاه پوشید و البته تمام تلاش خود را هم به کار گرفت تا پروتکل‌های بهداشتی را رعایت کند؛ هم برای عزای سیدالشهدا و یارانش سنگ تمام بگذارد و هم تمام تلاش خود را به کار گیرد تا خدایی نکرده جان عزاداران به خطر نیفتد.

یک محرم متفاوت

آیین‌های جمعی و برگزاری عبادات در کنار هم از جمله توصیه‌های مهم اسلام است، این‌که مسلمانان در کنار یکدیگر نماز بخوانند، عبادت کنند و سایر آیین‌های دینی را برگزار کنند، به همراهی و برادری بیشتری آنها می‌انجامد و امری نیک است. همه مسلمانان در آیین‌های مختلفی چون ماه رمضان، عید قربان و... این در کنار هم بودن را تجربه می‌کنند. شیعیان اما اوج این گردهمایی مذهبی را هر سال در ماه‌های محرم و صفر تجربه کرده و عزاداری‌هایی که برای امام حسین (ع) برگزار می‌کنند، ابعادی گسترده دارد. در ایران هم هیئات عزاداری چهره همه کشور را عوض می‌کنند؛ از حضور در هیات‌های محلی تا زیارتگاه‌ها و پیاده‌رفتن به کربلا گرفته تا پخش نذری و اتفاقات دیگری که همه کم و بیش با آنها آشناییم. امروز اما جهان دچار ویروس تنهایی است. ویروسی که مجبورمان کرده حتی‌الامکان برای حفظ سلامت خود و اطرافیان‌مان از هم فاصله بگیریم و موارد بهداشتی خاصی از جمله زدن ماسک، رعایت فاصله اجتماعی و... را رعایت کنیم. این معضل اجازه برگزاری مراسم خاص ماه محرم را مانند همیشه به دوستداران امام حسین نمی‌داد و همین هم مشکلات بسیاری را ایجاد کرده بود. مردم اما به میعاد هر ساله‌شان با امام حسین رسیدند و تلاش کردند حسینی‌بودنشان را دوباره به خود و جامعه یادآوری کرده و در کنارش ماه محرم متفاوتی را سپری کنند.

نزدیکی هیئات مذهبی، عزاداران را می‌شد با ماسک دید، آنقدر که تقریبا همه حاضران از ماسک استفاده می‌کردند تا از سلامت خود و دیگر عزاداران محافظت کنند. در واقع عزاداران همه تلاش خود را به کار گرفتند تا نشان دهند شورحسینی را به شعور گره زده‌اند و می‌خواهند در این محرم متفاوت، نام حسین کم فروغ نشود.

پیدا شدن گمشده ما ایرانی‌ها!

بله... خودمان می‌دانیم که ملت منظمی نیستیم. رعایت‌کردن صف و ایستادن در یک خط صاف و دقیق بدون شکستگی و پراکندگی کمتر از ما برمی‌آید، شاید هم آنقدر صمیمی و خونگرم هستیم که گاهی نظم یادمان می‌رود، ماجرا ابعاد متفاوتی دارد که جای بررسی‌اش اینجا نیست، اما امسال عزاداران حسینی حسابی منظم بودند و رعایت پروتکل‌های بهداشتی آنها را به تمرین یک نوع نظم درست و حسابی و دقیق هم سوق داد. در تصاویر منتشرشده از عزاداری‌ها می‌توانید ببینید که چگونه برای رعایت فاصله اجتماعی مناسب عزاداران تلاش کرده‌اند منظم و مرتب در مراسم محرم حاضر شوند و خلاصه یک نظم متفاوت و درست و حسابی را تجربه کنند. این یکی را سعی کنیم با خودمان نگه داریم و به امید امام حسین ببریمش به روزهای بی‌کرونا هم...

جای خالی نذری

امسال خبر چندانی از پختن نذری نبود و خلاصه که جایش حسابی خالی بود. غذاهایی که اصلا به یمن نام متبرک امام حسین انگار طعم و رنگی متفاوت دارند و مسلمان و غیرمسلمان عاشقشان هستند. گفتیم خبر چندانی نبود و اینطور برایتان توضیحش دهیم که بالاخره هستند کسانی هم که قوانین را رعایت نمی‌کنند، چه آنها که می‌زنند به دل جاده و بی‌توجه به توصیه‌های ستاد ملی کرونا می‌روند سفر و چه آنها که بعضی قوانین را رعایت نمی‌کنند. این را گفتیم که تصور نکنید می‌خواهیم همه چیز را به طور غیرواقعی عالی نشان دهیم، اما اگر خودتان

هم سری زده باشید به کوچه و خیابان دیده‌اید که اغلب عزاداران پروتکل‌های بهداشتی را رعایت می‌کنند. جای خالی نذری هم که حرفش را زدیم امسال یک اتفاق زیبا را رقم زد. در روزهایی که شرایط اقتصادی جهان در مواجهه با کرونا افت کرده و ما هم چالش‌های بسیاری داریم نذری‌های پخته نشده به خانه نیازمندان رفتند تا بشوند برکت سفره‌شان و کمک حال اقتصاد کم جان و نحیف خانواده‌های بی‌بضاعت شوند. این یکی دیگر خیلی زیباست، حتما دلتان نمی‌آید بی‌گفتن یک یا حسین عمیق از ته دلتان از کنارش عبور کنید...

همه با هم؛ «لبیک یا حسین»

«هر جا دلت گرفت بگو جان، بگو حسین...» این عبارت سردبیر فقیدمان روح ا... رجایی این روزها زمزمه خیلی از جام جمی‌هاست. دیشب هم مردم ایران که طبیعتا خیلی‌هایشان بنا به احتیاط نتوانسته بودند در هیئات مذهبی حضور پیدا کنند به دعوت شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی راس ساعت ۲۱ روی پشت بام آمدند و فریاد «لبیک یا حسین» سر دادند تا یک بار دیگر با هم تجدید پیمان کنند و تکرار که ما ملت امام حسینیم...

خلاصه که کیفیت برگزاری هیئات مذهبی نشان می‌دهد مردم عزادار و عاشق ایران توانستند از پس انجام این کار دشوار هم برآیند و در برگزاری دهه اول محرم با رعایت پروتکل‌های بهداشتی نمره قبولی بگیرند.

حاج قاسم هم بود

امسال اولین محرم متفاوتی بود که باید در دوران شیوع کرونا پشت سر می‌گذاشتیم و درباره‌اش حسابی نوشتیم. جای خالی حاج قاسم سلیمانی هم اما دیگر اتفاق محرم امسال بود که از چشم و دل عزاداران دور نمانده و باعث شده بود تصاویر حاج قاسم را با خود به هیئات مذهبی بیاورند. اولین محرم بی حاج قاسم شهید راه وطن بی حاج قاسم نگذشت. دل مردم آنقدر با او بود که عکسش را با خود ببرند و در کنارش عزاداری کنند.

مورد متفاوت حاج محمود کریمی

حاج محمود کریمی هم در شرایط متفاوت امسال سنگ تمام گذاشت. راه افتاد و کوچه به کوچه خیلی از نقاط شهر را پشت سر گذاشت تا امسال که امکان حضور مردم در هیئات کمتر است، او به میان مردم برود و برایشان مداحی کند. یکی از فیلم‌های منتشر شده از مداحی‌های او نشان می‌دهد ظهر تاسوعا را در کوره‌های آجرپزی اطراف تهران گذرانده و برای مردم مداحی کرده است.

درباره روایت کتاب «نیوه نیم‌دار»
مهدی یزدی از ظهر عاشورا

شکستن شوق در استخوان

پرداختن ادبیات به واقعه عاشورا، به عنوان یکی از سنت‌های شیعه، اغلب دچار درغلتیدن به سنت‌های ادبی بوده است؛ هنوز هم قاطبه شاعرانی که به این واقعه می‌پردازند، بنا بر سنت‌های ادبی سابقا موجود به آن می‌پردازند و در روایت‌شان، همان ترتیبی را دنبال می‌کنند که سنت ادبی شعر موسوم به شعر عاشورایی تجویز کرده است. با این حال، در نیم قرن اخیر بوده‌اند اندک شاعرانی که روایت‌شان، یکسره، آن سنت‌های ادبی را به کناری نهاده و شگردهای تازه‌ای را آزموده است. شاید نخستین‌بار، هوشنگ آزادی‌ور بود که سال ۱۳۵۰، با انتشار کتاب شعر «پنج آواز برای ذوالجناح»، روایت ظهر عاشورا را با نوعی از زیبایی‌شناسی کاملا دیگرگون و تازه ارائه کرد. او با وجود بهره‌بردن از شگردهای معمولِ حماسه‌سرایی چون خطابه، نظامی دیگرگون از روایتگری این رویداد بر پا کرد و با این شعر پنج‌قسمتی، بی‌آن‌که خود بخواهد ساختمانی ساخت تا شاعران علاقه‌مند به روایت حماسه عاشورا بتوانند در آن جمع شوند و خشت خود را بگذارند. هر چند این دعوت، کاملا بی‌پاسخ و مسکوت گذاشته شد؛ اما سال‌ها بعد، با گرایش شاعران جوان به دستاوردهای شعر دیگر. که آزادی‌ور و پنج‌آوازش به آن منتسب بودند. این بخش از دستاورد شعری او نیز به چشم آمد و فی‌المثل در کتاب شعری از مهدی یزدی نمود پیدا کرد. کتاب، نخستین کتاب شعر مهدی یزدی بود و نیوه نیم‌دار نام داشت. اول بگوییم که فرهنگ‌های لغت، نیوه را نوحه و خروش معنا کرده‌اند و آن‌طور که یزدی پیش از اینها گفته، نیم‌دار نیز در لهجه تهرانی به معنای دست دوم و کهنه به کار رفته است. نوحه مهدی یزدی برای عاشورا اما مطلقا دست دوم و کهنه نیست. خروش او، با وجود ردایی که از عزا به تن کلمات دارد، تازه است. تازه است چون نه رویکردی تهییجی در پیش گرفته و نه به رئالیسمی بی‌فایده برای تصویرآرایی تن داده است. در نیوه نیم‌دار به عنوان روایتی دیگرگون از واقعه عاشورا، تمهید روایتگری، مبتنی است بر اغوا؛ اغوای اندوه با تصاویری نفسگیر و زبانی بی‌واسطه. بی‌واسطه از آن رو که گاه تصور می‌کنید اگر راوی صادقی درست در ظهر عاشورا و در نزدیکی صحنه می‌ایستاد و می‌خواست برای شما که آن‌سوتر ایستاده‌اید و چیزی نمی‌بینید روایت کند، با همین زبان حرف می‌زد... با همین آرکائیسم که حماسه را رنگین‌تر کند، رنگین به قرمز خون. نیوه نیم‌دار، این‌گونه به پایان می‌رسد: [غبار می‌نشیند به رسم/ بن‌یاد به فراموشی/ شب نیست/ امشب دیشب نیست/ و هلهله دهن‌های ماهی/ پیاله پیاله چمیده/ گواه چمنی‌ست بر بدن/ ساکت صیدی/ نیوشای نک هلال/ روی آب/ انگار/ یک‌دست انگشت اشاره/ به اذانی دچار زده/ این نغمه‌کشیدن چکاوک]